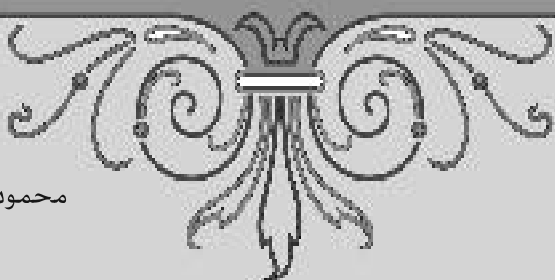


آماده‌ی انتشار

آثار میر محمد صادق حسینی متخلص به مظهر استرآبادی



محمود اخوان مهدوی

پراکنده شدن اسناد و نسخ دست‌نویس و سایر منابع تاریخی و در دسترس نبودن این آثار از موانع اصلی پژوهش در تاریخ محلی است. چه بسا منابع ارزشمند تاریخی که در گوشه و کنار این سرزمین در کتابخانه‌های شخصی و خصوصی خاک گرفته‌اند و چه بسا منابعی که به دلایل مختلف زمانی از خاستگاه خود جدا افتاده و اکنون در قفسه‌س کتابخانه‌های دنیا ناشناخته مانده‌اند. علاوه بر این عدم دقت در فهرست‌نویسی و نیز عدم انتشار فرست‌های دقیق و صحیح منابع کتابخانه‌ها و گنجینه‌های اسناد و نسخ دست‌نویس، مانع آگاهی از وجود منابع ارزشمند خواهند بود.

در سال‌های گذشته به واسطه‌ی وجود مجموعه‌ای دست‌نویس که گویا زمانی متعلق به مظهر استرآبادی بود و به دلایلی به کتابخانه‌ی جدّ پدري نگارنده راه یافته بود، منظومه‌ی مظهرالاعجاز سروده‌ی میر محمد صادق حسینی متخلص به مظهر استرآبادی را بازنویسی و تصحیح کردم و سال‌ها بعد در زمستان ۱۳۹۰ با همت اداره‌کل میراث‌فرهنگی استان گلستان و انتشارات پیک‌ریحان آن را به چاپ رسانیدم. در آن زمان تنها منابعی که در مورد مظهر در اختیارم بود، به جز چند تذکره‌ی قاجاری که تنها نامی از مظهر آورده و نهایتاً چند غزل از او ثبت کرده بودند، مجموعه‌ی دست‌نویس مظهر شامل منظومه‌ی مظهرالاعجاز و لیلی و مجنون سروده‌ی هاتفی جامی که هر دو به خط مظهر استرآبادی بودند و نیز شعری از برادر مظهر که در حاشیه همین نسخه آمده و نیز دستخطی از برادر دیگرش، کل اطلاعات این مجموعه در مورد مظهر بودند. چندی بعد در مجموعه‌ای دست‌نویس که از یک سمساری خریداری کردم، غزلی از مظهر استرآبادی را یافتم، مدتی بعد کَشکولی از محمد صالح استرآبادی متخلص به برهان به دستم رسید که یک رباعی از مظهر ثبت کرده بود و در همان‌جا به نام یکی از شاگردان مظهر نیز اشاره کرده بود که این اطلاعات را نیز در مقدمه تصحیح مظهرالاعجاز استفاده کردم. اشاراتی که در مجموعه‌ی دست‌نویس مظهر استرآبادی و نیز کَشکول برهان در مورد نام پدر مظهر شده بود، در شناسایی خاندان او راهگشا بودند چنان‌که در مقدمه‌ی همان تصحیح اشاراتی هرچند ناقص به خاندان وی نیز شد.

مدتی پس از چاپ و انتشار مجموعه مظهر الاعجاز، علاوه بر توضیحات تکمیلی ای که آقای سید صاحب بنی کمالی در مورد خاندان مظهر به بنده دادند، در یکی از سمساری‌های شهر گرگان یک نسخه‌ی چاپ‌سنگی از کتاب مغنی اللیب را یافتم که ظاهراً متعلق به خاندان فلسفی گرگان بوده و در حاشیه‌ی آن رباعی مظهر و جواب محیط استرآبادی، بدون ذکر حکایتی که در کشکول برهان آمده، ثبت شده بود، لذا این نسخه را خریداری کرده و به کتابخانه‌ی میرداماد منتقل کردم و شرح آن را ذیل یادداشتی با عنوان «گنجینه‌های سرگردان» در شماره سوم فصلنامه میرداماد به تاریخ بهار ۱۳۹۵ نوشتم.

اما چندی پیش، ضمن جست‌وجو در فضای مجازی، به صورت اتفاقی متوجه شدم چند عنوان از تألیفات مظهر استرآبادی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، خوشبختانه با تغییر رویه‌ای که در سیستم خدمات‌رسانی این کتابخانه روی داده، توانستم تصویر متن دست‌نویس این آثار را دریافت کنم و مشخص شد که همگی این تألیفات در یک مجموعه‌ی دست‌نویس صحافی شده که ظاهراً این مجموعه زمانی متعلق به مظهر استرآبادی بوده است. لذا با توجه به علاقه و تعلق‌خاطری که به شخصیت مظهر استرآبادی داشتم، بلافاصله به بازخوانی و بازنویسی متن آثار مظهر پرداختم که پس از مدت کوتاهی کار بازنویسی آن‌ها به سرانجام رسید. مدت‌زمانی بین بازنویسی و تصحیح متون فاصله افتاد، اما به هر حال تصحیح متون نیز به پایان رسید و طبق عادت همیشگی، پس از پایان کار، کتاب را به کناری گذاشتم تا مدتی بعد ضمن جست‌وجو برای یافتن نسخه‌های دیگر، اندکی ذهنم از موضوع دور شود و دوباره با تمرکز بیشتری متن را بازبینی کنم و مجموعه‌ی آثار تازه‌یاب را به انضمام منظومه‌ی مظهر الاعجاز مجدداً منتشر نمایم.

اکنون به امید آن‌که اگر خوانندگان این فصلنامه اطلاعی از وجود اسناد و متون تاریخی در مورد مظهر استرآبادی دارند، برای تکمیل کتاب به نگارنده معرفی کنند، در این شماره به معرفی آثار و منابع مربوط به مظهر استرآبادی پرداخته می‌شود.

منابع دست‌نویس

۱- مجموعه نخست مظهر استرآبادی

این مجموعه از آن رو به نام مظهر نامیده شده که طبق شواهد موجود، این نسخه متعلق به مظهر و خاندان او بوده است.

اکنون مجموعه نخست مظهر متعلق به کتابخانه شخصی نگارنده (محمود اخوان مهدوی) است و در مخزن نسخ دست‌نویس موسسه فرهنگی میرداماد نگهداری می‌شود. این مجموعه شامل شش بخش و ضمیمه‌هایی در فواصل بین هر بخش است که در این جا تنها بخش‌های مربوط به مظهر استرآبادی معرفی خواهد شد:

۱-۱- منظومه «مظهر الاعجاز» سروده میر محمد صادق حسینی استرآبادی متخلص به «مظهر» موضوع منظومه داستان تولد امام‌زمان (عج) است. مظهر در تنظیم این داستان از علمایی چون

ابن بابویه، سیدمرتضی علم الهدی، شیخ طوسی، شیخ کلینی و علامه مجلسی بهره برده است. این منظومه بر وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن (بحر هزج مسدس محذوف) و شامل حدود ۱۴۰۰ بیت است که در سال ۱۲۴۰ ق سروده شده است. نسخه حاضر به خط سراینده است و تاکنون نسخه‌ی دومی از آن یافت نشده است. این منظومه در سال ۱۳۹۰ توسط اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان و انتشارات پیک ریحان منتشر شده است.

آغاز منظومه:

«خدایا جرم اگر بسیار دارم چه غم همچون تویی غفار دارم»

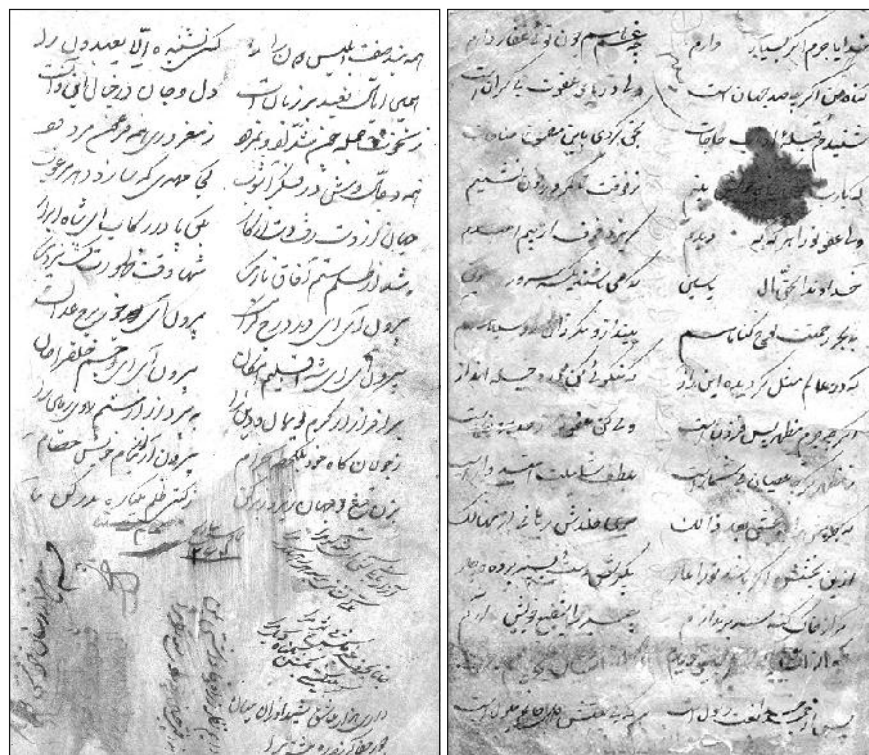
انجام منظومه:

«بزن تیغ و جهان زیر و زیر کن ز گیتی ظلم یکباره بدر کن»

یک برگ از آغاز، برگ‌های ۷ و ۸ و برگ‌های ۱۱ و ۱۲، از نسخه ساقط شده است.

خط نستعلیق کم کار سراینده، ۱۵ و ۱۶ سطری، تاریخ تحریر ۱۲۶۲ ق، کاغذ آهار مهره نخودی.

جای این بخش در مجموعه از ص ۱ الی ص ۴۲ پ است.

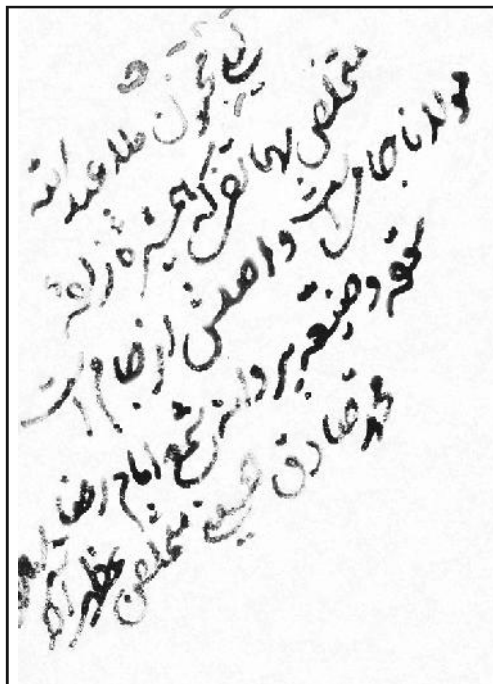


عکس ۱- صفحه آغاز موجود منظومه مظهرالاعجاز

عکس ۲- صفحه انجام منظومه مظهرالاعجاز

۱-۲- منظومه «لیلی و مجنون» سروده عبدالله جامی متخلص به «هاتفی»

از این منظومه، نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های مختلف دنیا وجود دارد، اما ویژگی نسخه حاضر این است که به خط مظهر استرآبادی تحریر یافته است. در پشت صفحه آغاز منظومه نوشته: «لیلی مجنون ملا عبدالله متخلص بهاتفی که همشیره زاده مولانا جامی است و اصلش از جام است. سوّده و ضیعّه پروانه شمع امام رضا محمدصادق الحسینی متخلص بمظهر استرآبادی».



عکس ۳- یادداشت مظهر در ظهر صفحه آغاز منظومه لیلی و مجنون هاتفی جامی

آغاز منظومه:

«این نامه که خامه کرد بنیاد
توفیق قبول روزیش باد»

انجام منظومه:

«چون مرد شکسته حال شیدا
شد قافله حجاز پیدا»

خط شکسته‌ی کم کار ۱۵ سطری، کاتب، میر محمدصادق حسینی استرآبادی متخلص به

«مظهر»، بی‌تا، کاغذ فرنگی آبی، عناوین به سرخی

جای این بخش در مجموعه از ص ۴۵ پ الی ص ۱۰۸ ار است.

۱-۳- ضمیمه ۱- غزل از مظهر استرآبادی، با مطلع «ربوده یار از دل تابم امشب * نمی‌آید به

چشمان [خوابم امشب]». جای این ضمیمه در حاشیه‌ی صفحات ۱۳ و ۱۳ پ مجموعه است.

میرزا

۱-۴- ضمیمه ۲- غزل از مظهر استرآبادی، با مطلع «آزار تا به کی کنی ای فتنه گر مرا * گر میکشی بکش به گناه دگر مرا». جای این ضمیمه در حاشیه‌ی ص ۴۲ پ مجموعه است.

۱-۵- ضمیمه ۳- دستخط سیداحمد ابن محمدرضا صدر حسینی استرآبادی (برادر مظهر) شامل دو قطعه، یک رباعی و یک دوبیتی، مورخ ۱۲۷۶ ص ۴۴

۱-۶- ضمیمه ۴- شعری از محمدیوسف ابن محمدرضا صدر حسینی استرآبادی (برادر مظهر) به مطلع «ای پدر لعل لب بوسه زنم چون جان را * تا لب را بلب آرم جان را» جای این ضمیمه در صفحات ۴۳ و ۱۸۱ پ مجموعه است.

توضیح: همان‌طور که گذشت، وجود منظومه مظهرالإعجاز، کتابت منظومه لیلی و مجنون هاتفی جامی توسط مظهر، دستخط سیداحمد حسینی برادر مظهر و شعر محمدیوسف حسینی برادر دیگر مظهر، روشن می‌کند که این مجموعه متعلق به مظهر و خاندان او بوده است. البته طبق یادداشت‌های حواشی، این مجموعه در سال ۱۲۷۶ ق به تملک عباسعلی ابن محمدمهدی بزار درمی‌آید و پس از او به کتابخانه‌ی برادرش، شیخ محمدمهدوی باغشاهی (جد پدری نگارنده) راه یافته است.

۲- مجموعه دوم مظهر استرآبادی

این مجموعه نیز از آن رو به نام مظهر استرآبادی نامیده شده است که غالب متون و رسالات مندرج در آن به خط مظهر استرآبادی تحریر یافته است. علاوه بر این، در ص ر (صفحه آغاز کتاب انیس العشاق) خط تملک مظهر با عبارت «انیس العشاق مالک محمدصادق الحسینی» آمده است. نسخه دست‌نویس این مجموعه به شماره ۲۰۸۷۰۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، اما این‌که چگونه به این کتابخانه راه یافته و مالک قبلی آن چه کسی بوده، در شناسنامه نسخه ثبت نشده است. تنها نشانه‌ی تملک قبلی نسخه، به غیر از خط تملک مظهر، مهری بیضی‌شکل با سجع «عبده محمدحسین» است که در آغاز و انجام مجموعه نقش بسته است.

این مجموعه شامل هشت رساله است که در ادامه، به ترتیب جاگیری در مجموعه، معرفی خواهند شد:

۲-۱- حدایق الحقایق تألیف شرف‌الدین رامی

این کتاب در علم شعرشناسی و به زبان فارسی است که شرف‌الدین رامی در قرن نهم هجری در شرح حدائق السحر رشید وطواط نوشته است. از این کتاب نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های سراسر دنیا موجود و چندین بار نیز چاپ و منتشر شده است.

آغاز کتاب: «بسم‌الله... بعد از حمد بیحد و صلوات بی‌عدد چنین گوید اقل الشعرا شرف بن محمد بن حسن الرّامی احسن الله عواقبه...»

انجام کتاب: «... امیدوار محب الدعوه که بر دولتخواهان این حضرت خجسته و میمون گردد بمنه و کرمه والله اعلم بالثواب».

ویژگی نسخه‌ی پیش‌رو، حواشی مظهر استرآبادی است که به خط خود در قسمت وحشی اوراق نسخه تحریر کرده؛ یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این حواشی آمده اشاره به کتابی در علم عروض، به نام «عروض کاظمی» از تألیفات مظهر استرآبادی است که به نام شاهزاده محمد کاظم میرزا تألیف کرده است. علاوه بر این در همین حواشی به برخی از دیگر آثار و اشعار خود اشاره کرده، لذا به دلیل اهمیت این حواشی، در ادامه عیناً نقل شده است.

الف- ص ۵ پ، در مثال تجنیس خطی:

«مثال لمحررها مظهر الحسینی: ترا خال مشکین مرا حال مشکین * ترا چشم بادام مرا چشم با دام/ چرا ای بت شوخ شنگ ای بت سنگ دل * ز تو جمله باکام و من از تو ناکام/ بعشرت‌گه خود بعسرت‌گه من * نه گوئیم بخرام نه گویمت بخرام/ نوای تو ای بلبل طبع مظهر * بود مظهر عشق عشاق ایام- مثال را کافی است زیاده را در «عروض کاظمی» نوشته‌ام آنجا رجوع کنند».

ب- ص ۸ ر: «مثال مغلوب بعض مظهر راست در مظهر الاعجاز: که از رشک تو ای رشک مه و مهر * کشیدم پرده دیدار بر چهر».

ج- ص ۱۰ ر، در مثال متضاد آورده:



عکس ۴- حاشیه مظهر در ص ۸ کتاب حقائق الحقایق

«مظهر گوید: ز آتش هجر و ز آب دیده رفت * خاک هستیم بباد از دست تو»

د- ص ۱۴ پ، در مثال مراعات نظیر:

«خواجه اسفندیار میدانی * که بخالم ز چرخ روئین تن / من نه بهرام و ولی با من * رستمی میکند مه بهمن / خسرو زال را بیرسیدم * حالتم را چه حیلست چه فن / گفت افراسیاب دهر شوی * گر بدست آوری ز می دو سه من / باده چون دم سیاوشان * سرخ نه تیره چون چه بیژن / گر فرستی توئی فریدونم * ورنه روزی نعوذ بالله من / همچو ضحاک ناگهان پیچم * مارهای هجرات بر گردن- لمسوده مظهر الحسینی»

ه- ص ۱۷ پ، در مثال تشبیه:

«مثال تشبیه مظهر گوید: بپای دل کمند افکن از آن زلف * نمیگفتم دلم چون خواست گفتم / رخس را ماه گفتم روشن است این * قدش را سرو گفتم راست گفتم- باقی اقسام تشبیه را در «عروض کاظمی» که از تألیفات من است رجوع کنند».

و- ص ۱۸ ر، در مثال تشبیه مشروط:

«پیوسته بابروی تو میگفتم ماه * گر زانکه بدین ماه فلک پیوسته است- مظهر»

ز- ص ۱۹ پ، در سیاقه الاعداد:

«و من مظهر را سیاقه الاعداد بسیار است، در «عروض کاظمی» نوشته‌ام که تألیف من است. این رباعی در مدح رسالت پناه است: ای حمد نبوت زده حق در پُشتت * وی چار و سه و شش و نه اندر مُشتت / بشکافتن مه چه عجب، چون دارد * اعجاز دوصدهزار یک انگشتت».

ح- ص ۲۴ ر، در مثال موشح:

«و بنده مظهر را قصاید و قطعیات و رباعیات موشح زیاده از تحریر است؛ بنوعی که از قصاید و قطعیات قطعه و غزل دیگر خارج میشود به بحر دیگر و جهت مثال موشحی به اسم «میرزا مصطفی قلی وزیر» که صاحب طبع روان و متخلص به «عیان» بود ثبت افتاد. کسی که خواهان آن نوشتجات باشد، در جای خود ببیند. زیاده در خاطر نبود:

م محبوب دل چو یار وفادار عاشقان

ی یار وفاشعار چو او نیست در جهان

و راحت فزای تن ز کلام وفانظام

ز زحمت کزای روح و کدورت زدای جان

ا انشای دفترت همگی نشأئه طرب

م مضمون شعر تو همگی عیش جاودان

ص صفر وفای تو همه مملو از کرم

ط طی دعای تو همگی قاطع زبان

ف فرض است قرض وصف تو از کلک مشک مسلک

ی یارای مدح تو بزبانم چو نیست هان
 ق قبل از ورود وام بقصر نشاط من
 ل لؤلؤ ز درج طبع همی کردمی عیان
 ی ینوع نطق «مظهرت» از وام خشک شد
 ا آنجا که شد عیان نبود حاجت بیان

مثل را کافی است شعبات آن در رساله عروض کاظمی که از تألیفات من بنده است که بجهت نواب محمد کاظم میرزا نوشته شده رجوع کنند- مظهر».
 ط- ص ۲۷ پ، در مثال تضمین:

«و من مظهر را تضمین بسیار است، خصوص در «مظهرالاعجاز» در وصف بیع کردن نرجس خاتون، مثال: چو اندر وصف طبعم کوتاهی کرد * مناسب بود ولی از جامی این فرد/ جمادی چند دادم جان خریدم * بنا میزد عجب ارزان خریدم- باقی شقوق در «عروض کاظمی» نوشته‌ام که تألیف من است».

خط نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۲ سطری. بی‌کا (با توجه به این که خط کتابت از سطر نیمه سطر ششم ص ۳۹ پ تا نیمه سطر هفتم ص ۴۱ تغییر کرده و این خط به خط حاشیه نزدیک است، احتمال می‌رود کاتب این نسخه مظهر استرآبادی باشد). تاریخ تحریر ۱۲۲۲ ق. حواشی به خط مظهر استرآبادی. عناوین و خط‌کشی روی عبارات به سرخی. کاغذ فرنگی نباتی. صفحات دارای رکابه و فاقد شماره است. در صفحاتی که موضوع جدید آغاز شده، علاوه بر ممتازنویسی عنوان با قلم سرخ، در قسمت فوقانی وحشی نیز عنوان موضوع به قلم مشکی درج شده است.
 جای این کتاب در مجموعه از ص ۱ پ تا میانه ص ۴۵ ر است.

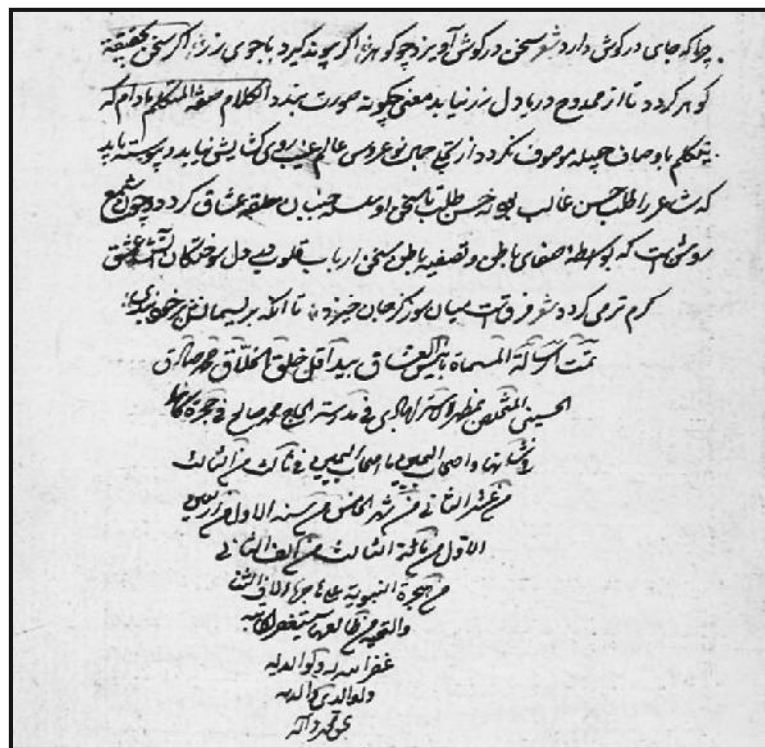
۲-۲- [دستور الانشاء]

نمونه‌ای مفصل است از اخوانیات که فاقد مقدمه و مؤخره بوده و نام نویسنده و کاتب آن مشخص نیست.

خط نستعلیق آمیخته با شکسته ۱۲ سطری، بی‌کا (خط این بخش با بخش قبل (حدائق الحقایق) یکی است). بی‌تا (دهه سوم سده ۱۳ ق). کاغذ فرنگی نباتی.
 آغاز: «تا حسن و ناز با یکدگر دمساز و عشق و نیاز از یک قانون نوا پردازند ...»
 انجام: «... از رحیق فیض قادر ذوالجلال مالامال و لبریز و یکران دولت بکامرانی و اقبال در میدان فصیح‌البیان حشمت و اجلال جهنده و سبک‌خیز باد برب‌العباد»
 جای این بخش در مجموعه از میانه ص ۴۵ ر (۵ سطر) تا پایان ص ۵۰ ر است.

۲-۳- انیس‌العشاق تألیف شرف‌الدین رامی

کتابی در شرح اصطراحات شعرا به زبان فارسی که نسخه‌های متعدد آن در کتابخانه‌های سراسر دنیا موجود بوده و به تصحیح عباس اقبال نیز به چاپ رسیده است. کاتب این نسخه مظهر استرآبادی است.



عکس ۵- رقم انجام مظهر استرآبادی در انجامه کتاب انیس العشاق شرف الدین رامی

در قسمت وحشی صفحات ۵۳ و ۵۹ ر حاشیه‌ای در تکمیل متن آمده که تعمداً نام کاتب آن محو شده و به نظر شهرت کاتب «جزی» باشد. حاشیه ص ۵۹ دارای تاریخ ۱۲۵۰ [ق] است. خط نستعلیق آمیخته به شکسته ۱۹ سطری، کاتب میرمحمدصادق حسینی استرآبادی متخلص به مظهر، تاریخ تحریر ۱۳ جمادی الاول ۱۲۴۱، مکان تحریر مدرسه حاجی صالح (مدرسه صالحیه استرآباد). عناوین و خط‌کشی روی عبارات به سرخی. کاغذ فرنگی الوان. جای این کتاب در مجموعه از ص ۵۱ تا میانه‌ی ص ۶۸ است.

۲-۴- اصطلاحات عرفا تألیف میرمحمدصادق حسینی استرآبادی متخلص به «مظهر» رساله‌ای مختصر، شامل شرح چهل و دو (۴۲) اصطلاح از اصطلاحات عرفا که هیچ ترتیبی ندارد. آغاز: «بسم الله ... این چند اصطلاحی است که عرفا را بدان فی الجمله احتیاج میشود بطریق اشاره بدانکه میخانه و بتکده و خم‌خانه شرابخانه باطن عارف کامل را گویند که درو از معارف و حقایق و شوق الهی بسیار باشد...». انجام: «... ساقی و مطرب ترغیب کنندگان اهل معنی را گویند. پیرمغان و پیرخرابات نیز مرشد کامل را گویند».

خط نستعلیق آمیخته به شکسته، در مجموع ۱۷ سطر، بی‌کا (مظهر استرآبادی)، بی تا (نیمه اول

سده ۱۲ق). خط‌کشی روی عبارات به سرخی. کاغذ فرنگی نباتی.

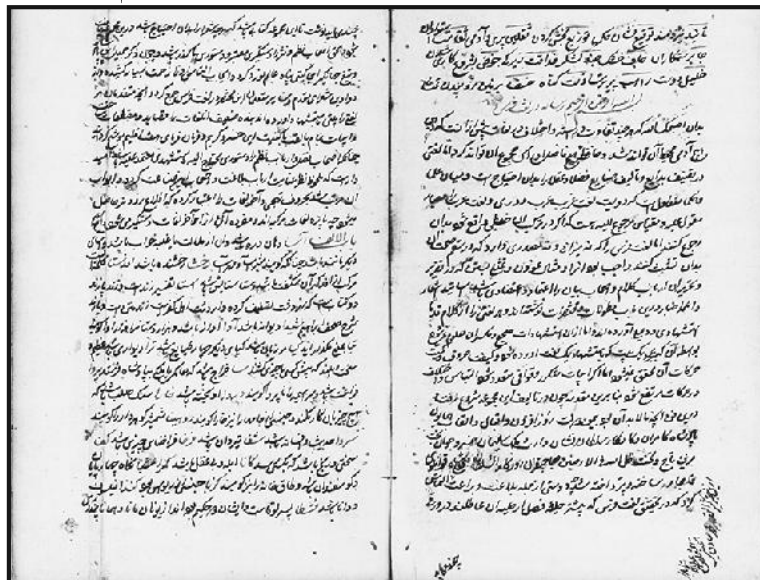
جای رساله در مجموعه از نیمه دوم ص ۶۸ تا نیمه اول ص ۶۸ پ (در مجموع ۱۷ سطر)
۲-۵- لغات و اصطلاحات شاهنامه تألیف میر محمد صادق حسینی استرآبادی متخلص به «مظهر»

رساله‌ای مختصر در شرح اصطلاحات و لغات دشوار شاهنامه، که شامل ۸۶۸ لغت به ترتیب حروف الفبای عربی آمده و کلماتی که با حرف «پ» آمده را ذیل حرف «ب»، حرف «چ» را ذیل «ج»، حرف «ژ» را ذیل حرف «ز» و حرف «گ» را ذیل حرف «ک» آورده و پس از حرف «ی» نیز واژه‌های مشترک بین عربی و فارسی را آورده و در این بخش ترتیب حروف الفبا رعایت نشده است. آغاز: «بسم الله چون شوق ارباب فضایل را بر تعریف الفاظی چند که ملک الکلام فردوسی در شاهنامه از لغت فرس در نظم منتظم کرده است و اصطلاحی که در آن باب ترکیب کرده است مایل دیدم، خواستم بعضی از آنرا جمع کنم تا از صناعت آن بهره‌مند شوند و ترتیب آن بر حروف تهجی نهادیم و اول را اعتبار کردیم تا خوانندگان فارسی بر آن زودتر مطلع شوند و جامع را بدعای خیر یاد کنند...».

انجام: «... راهب پیر ترسا. ذلت گناه. خسف بزمین روئیدن. تمام».

خط نستعلیق آمیخته به شکسته ۲۵ سطری، بی‌کا (مظهر استرآبادی)، بی‌تا (نیمه اول سده ۱۲ق). عناوین و خط‌کشی روی عبارات به سرخی. کاغذ فرنگی نباتی.

جای رساله در مجموعه از نیمه دوم ص ۶۸ پ تا سطور ابتدایی (۳ سطر اول) ص ۷۲ پ است.
۲-۶- لغت فرس تألیف تألیف میر محمد صادق حسینی استرآبادی متخلص به «مظهر» کتاب مختصری است در لغات دشوار فارسی، که مظهر استرآبادی به نام فتح‌علی شاه قاجار



عکس ۶- دو صفحه آغازین رساله لغت فرس تألیف مظهر استرآبادی

تألیف کرده است. این لغتنامه شامل بیش از یکهزار لغت فارسی است. مظهر در دیباچه کتاب در سبب تألیف آن آورده: «چون در تألیف این مجموعه شروع رفت و درین فن آنچه مالاابد آن بود بیمن دولت روزافزون و اقبال و القاب همایون پادشاه کانران و کامکار سلطان نشان وارث ملک سلیمان و خسرو جوانبخت مزین تاج و تخت ظلّ الله فی الارضین صاحبقران روزگار السلطان فتحعلی شاه قوانلوی قاجار»^۱ ساخته و پرداخته شد چه دوستی ازجمله بلاغت و براعت ازین حقیر کثیرالتقصیر محمدصادق الحسینی المتخلص بمظهر الاسترآبادی^۲ التماس کرد که در تحقیق لغت فرس که بیشتر حلیه فصل از حلیه آن عاطلند در ورقی چند می باید نوشت تا این مجموعه کتابی باشد که هرچه شعرا را بدان احتیاج باشد درین مجموعه یافت شود و الحق اصحاب نظم و نثر را دستگیری معتبر و دستوری ماگذر باشد و چون ذکر جمیل این پادشاه و تیغ جهانگیر این گیتی پناه عالم نورد گردد ایجاب التماس او را زحمت بسیار کشیده و از دواوین شعرای مقدم و سایر متعلمان این مختصر در لغت فرس جمع کرد و آنچه متقدمان هر لغتی را بیتی باستشهاد آورده اند بنده ضعیف آنلغات را قصاید و مقطعات ساخت و ابیات بنام با لقب با کنیت این خسرو کریم و فرمان فرمای هفت اقلیم موشح گردانید چنانکه اصحاب فضل و ارباب نظم را دستوری محتاج الیه و مستشهدی معتمدعلیه باشد امیدوارست که ملحوظ نظر عنایت ارباب بلاغت و اصحاب این صناعت گردد و ابواب آن مرتب شد بحروف تهجی و آخر لغات را اعتبار کرده که اطلاع زودتر حاصل میشود چه پاره لغات مرکبه اند و مفرده آن از اواخر لغات دستگیر می شود والله اعلم».

آغاز: «بسم الله... بدان اصبحک الله که هرچند تفاوت در السنه و اختلاف در لغات بیش از آنست که ذهن هیچ آدمی محیط آن تواند شد...».

انجام: «... شیانی درمی بوده ده هفت که وقتی خراسان زدندی و خرج کردند و شیان جزا و مکافات بود».

خط نستعلیق آمیخته به شکسته ۲۴ سطری، کاتب میرمحمدصادق حسینی استرآبادی متخلص به مظهر، تاریخ تحریر: چهارشنبه ۲۱ رجب ۱۲۴۱، مکان تحریر: مدرسه حاجی صالح (مدرسه صالحه استرآباد). عناوین و خطکشی روی عبارات به سرخی. کاغذ فرنگی نباتی. جای کتاب در مجموعه از ص ۷۲ پ تا ص ۸۷ ر است.

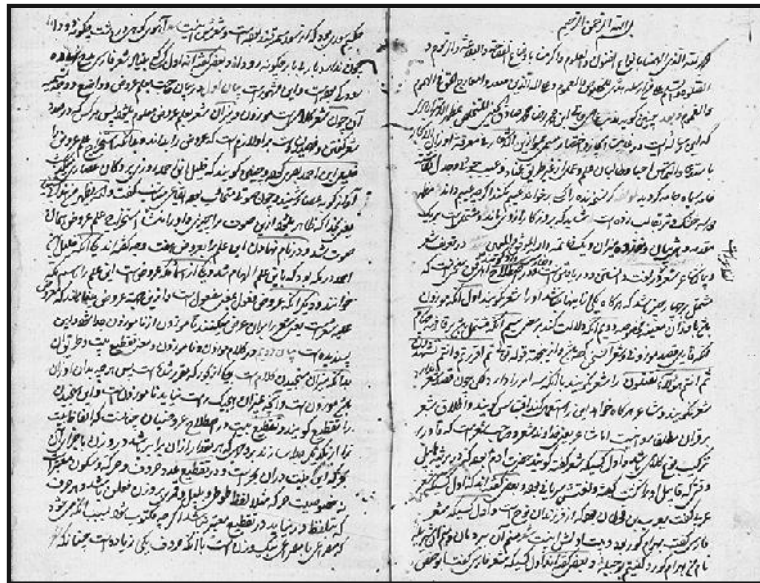
۷-۲- موازین الاشعار فی معرفه اوزان الابحار تألیف میرمحمدصادق حسینی استرآبادی متخلص به «مظهر»

رساله ای است در فن عروض، به زبان فارسی، شامل یک مقدمه، هشت بیان، نوزده میزان و یک خاتمه. نویسنده در دیباچه این رساله آورده: «چنین گوید مذهب عاصی جانی ابن محمدرضا محمدصادق الحسینی المتخلص بمظهر الاسترآبادی که این رساله ایست در غایت ایجاز و اختصار مسمی بموازین الاشعار فی معرفه الاوزان الابحار باستدعا و التماس احبا و

۱ - ظاهراً جای عبارت داخل {} قبلاً عبارت دیگری بوده و محو شده و جای آن عبارت موجود نوشته شده است.

۲ - پس از واژه براعت در روی سطر یک ابرو باز شده و عبارت داخل {} در حاشیه نوشته و بدانجا ارجاع داده شده است.

طالبان علم و عمل از غیر طریق عناد و عیب جویی و جدل نگاشته خامه سیاه جامه گردید
لمؤلفه گر نسخه بنده را کسی برخواند * عییم نکند اگر چه عییم داند * مظهر دوسه خشک و
تر بقالب زده است * شاید که بروزگار از وی ماند * و مشتمل است بر یک مقدمه و هشت
بیان و نوزده میزان و یک خاتمه والله الموفق والمعین.
مندرجات این رساله عبارتند از: مقدمه: در تعریف شعر و بیان شاعر. بیان اول: در بیان حاجت به



عکس ۷- دو صفحه آغازین کتاب موازین الاشعار تألیف مظهر استرآبادی

علم عروض و واضع و وجه تسمیه آن. بیان دوم: در کلام موزون و ناموزون و معنی تقطیع بیت
و طریق آن. بیان سوم: در اجزای میزان بیت. بیان چهارم: در وجه تسمیه بیت. بیان پنجم: در بیان
ارکان بحور. بیان ششم: در بیان عدد بحور و خاصه و مشترکه آن. بیان هفتم: در بیان وجه تسمیه
مصرع و اجزای آن. بیان هشتم: در عدد تقطیع و ارکان و اجزای بحور. میزان اول: در معرفت
بحر طویل مثنی سالم. میزان دوم: بحر مدید مثنی سالم. میزان سوم: بحر بسیط مثنی سالم. میزان
چهارم: بحر وافر مثنی سالم. میزان پنجم: بحر کامل مثنی سالم. میزان ششم: بحر هزج مثنی
سالم. میزان هفتم: بحر رجز مثنی سالم. میزان هشتم: بحر رمل مثنی سالم. میزان نهم: بحر منسرح
مثنی مطوی موقوف. میزان دهم: بحر مضارع مثنی اخرب. میزان یازدهم: بحر مقتضب مثنی
مطوی. میزان دوازدهم: بحر مجتث مثنی مجنون. میزان سیزدهم: بحر سریع مطوی موقوف. میزان
چهاردهم: بحر جدید مجنون. میزان پانزدهم: بحر قریب مکفوف. میزان شانزدهم: بحر خفیف
مجنون. میزان هفدهم: بحر مشاکل مکفوف مقصور. میزان هجدهم: بحر تقارب مثنی سالم. میزان
نوزدهم: بحر متدارک مثنی سالم. خاتمه: در بیان اوزان رباعی.

از ویژگی‌های این رساله، علاوه بر محتوای ارزشمند آن، ابیات و اشعار متعددی است که مظهر به عنوان مثال در توضیح هر بحر عروضی، از خود نقل کرده است. چنان‌که در همین مثال‌ها بخشی از ابیات آغازین منظومه مظهر الاعجاز را که در «مجموعه نخست مظهر» ساقط بوده، نقل کرده است.

آغاز: «بسم الله... الحمد لله الذی الهمنا بانواع الفنون والعلوم واکرمنا باوضاع الفصاحه والبلاغه والرّسوم...». انجام: «... و بهترین محور رباعی در فارسی رکن حوقل است و مشهور هم همین است». خط نستعلیق آمیخته به شکسته ۲۰ و ۲۲ سطری، بی‌کا (مظهر استرآبادی)، بی‌تا (نیمه اول سده ۱۳ق). عناوین و خط‌کشی روی عبارات به سرخی. کاغذ فرنگی نباتی و آبی. جای کتاب در مجموعه از ص ۸۷ پ تا ص ۹۸ ر است.

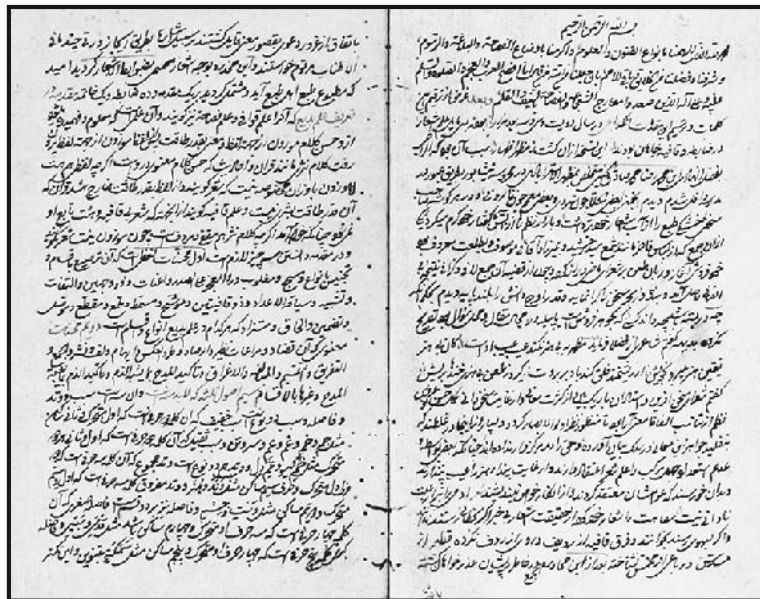
۲-۸- ضوابط الاشعار تألیف میر محمد صادق حسینی استرآبادی متخلص به «مظهر»

کتابی است در علم بدیع به زبان فارسی، شامل یک مقدمه، ده ضابطه و یک خاتمه. نویسنده در دیباچه آورده: «و بعد غرض از ترقیم این کلمات و ترسیم این مقدمات آنکه رباعی در سال دویست و سی‌وسه بعد هزار * بودند بسی مایل علم اشعار * در ضابطه و قافیه خواهان بودند * این نسخه از آن گشت ز مظهر اظهار * سبب آن بود که الراجی بفضل الهادی ابن محمدرضا محمدصادق الحسینی متخلص بمظهر الاسترآبادی در محروسه نیشابور بطریق عبور در مدرسه داخل شدم دیدم انجمنی، بعضی مکلاً چون سروی و بعضی معمم چون نارونی و در هر گوشه صاحب‌سخنی خشکی طبع را از آب اشعار خود تر داشت و بازار نظم را از آتش گفتار خود گرم میکرد یکی از آن جمع که از لباس فاخر مانند شمع میدرخشید و بمیرزا و آقائی موصوف و بطلعت معروف بود خود فروشی آغاز و زبان طعن بر شعرای ماضی دراز کرده و چون از قضیه آن جمع لافی ذکر افی نتیجه بی‌انصافی حاصل آمد و بنده دُر بحر سخن را گرانیامیه و قدر اوج دانش را بلندپایه دیدم بحکم آنکه چُهِ در بسته باشد چه داند کسی که گوهر فروش است یا پیلهور مجال مقال و محل سؤال بود تصریح نکرده بدیهه گفتم شاعری از فضلا فرماید مظهر به بی‌هنر نکند عیب عیب اوست کان بی‌هنر یقین هنر میرد بخویش از ریشخند خلق کند باد بر بروت گیرد ز طعن بی‌هنری خنده‌ها بریش گفتم شعرای سخن‌آفرین و استادان باریک‌بین از کثرت معانی و از غایت سخن‌دانی هیکل حسن نوعروس نظم از تناسب الفاظ معانی آرا بود تا منظور نظر اولوالابصار گردد و بسیار از اینجا در غلظند که بتقلید جواهر این معانی در سلک بیان آورده و حق را در مرکز قرار نداده‌اند چنانکه بعضی بواسطه عدم استعداد جهل مرکب را علم شعر اعتقاد دارند و از غایت پندار هنر را عیب پندارند و بدان خورسند که عوامشان معتقد گردند و از انکار خواص نیندیشند شعر آدمی را بتر از علت نادانی نیست سفاقت را شعر خود کرده از حقیقت اشعار بی‌خبر اگر بخطائی رسند ندانند و اگر پس‌هوی رسند بخوانند و فرق قافیه از ردیف و روی از ردف نکرده قطعه از مسدّس و رباعی از مخمّس نشناخته بعد از این محاوره آنجمع در خاطر پریشان عذرخواهان گشته باتفاق از غرور دعوی بقصور معنی قایل گشتند بر سبیل اشاره بطریق ایجاز ورقی چند ما

فی الاطباب مرقوم خواستند و این مخدرة بوجه اشعار مسمى بضوابط الاشعار گردید امید که مطبوع طبع آید و مشتمل گردید بر یک مقدمه و ده ضابطه و یک خاتمه».

مندرجات این رساله عبارتند از: مقدمه: در تعریف علم بدیع. ضابطه اول: در تعریف قافیه. ضابطه دوم: در تعداد حروف قافیه و بیان حروفی که پیش از اوست. ضابطه سوم: در بیان حروفی که بعد از حرف روی است. ضابطه چهارم: در بیان حرکات قافیه. ضابطه پنجم: در بیان انواع روی و اوصاف آن و القاب قافیه. ضابطه ششم: در بیان انواع قافیه به اعتبار تقطیع. ضابطه هفتم: در بیان عیوب ملقبه قافیه. ضابطه هشتم: در بیان عیب شایگانست. ضابطه نهم: در بیان عیوب غیر ملقبه قافیه. ضابطه دهم: در تحقیق حاجب و ردیف. خاتمه: در بیان اصطلاحاتی که واجب است در این فن دانسته شود.

از ویژگی های این رساله، علاوه بر محتوای ارزشمند آن، ابیات و اشعار متعددی است که



عکس ۸- دو صفحه آغازین کتاب ضوابط الاشعار تألیف مظهر استرآبادی

مظهر به عنوان مثال در توضیح هر عنوان شعری آورده است.

آغاز: «بسم الله... الحمد لله الذى الهما بانواع الفنون والعلوم واكرما باوضاع الفصاحة والبلاغة والرّسوم و شرفنا و فضلنا من الخلاق و باقى الامم...».

انجام: «... و ترصیع و غیر ذلک در علم بدیع رجوع کند که این مختصر لایق ذکر آنها نیست رباعی ملمع در ختم این مختصر مولف گوید: قد تم رسالتی بعون الوهاب * امید که باشد همگی صدق و صواب * گر سهو و خطایی شده باشد واقع * رب اغفر لی انک انت الوهاب فی سنه ۱۲۵۰».

خط نستعلیق آمیخته به شکسته ۲۰ تا ۲۲ سطری، بی‌کا (مظهر استرآبادی)، تاریخ تحریر

۱۲۵۰[ق]. عناوین به سرخی. کاغذ فرنگی آبی و فستقی.

جای رساله در مجموعه از ص ۹۸ پ تا ص ۱۰۸ ار است.

۳- کشکول برهان (جلد دوم) تألیف محمدصالح استرآبادی متخلص به «برهان»

این نسخه دست‌نویس ابتدا متعلق به خاندان سپهر گرگان بوده و در دهه‌ی ۱۳۷۰ توسط نگارنده از یکی از عتیقه‌فروشی‌های شهر گرگان خریداری شد و اکنون جزو نسخ دست‌نویس کتابخانه شخصی نگارنده در گنجینه خطی موسسه فرهنگی میرداماد نگهداری می‌شود. چنان‌که قبلاً ذکر شد، در صفحات ۴۸ر-۴۷پ نسخه دست‌نویس کشکول برهان حکایتی در باب سفر مظهر استرآبادی به شهر اشرف (بهشهر کنونی) آمده که به دلیل کوتاه بودن متن، عیناً در این جا نقل می‌شود:

«مرحوم مبرور آقا میر محمدصادق ولد مرحمت مآب آقا میر محمدرضا صدر استرآبادی بر دیوار باغ چهلستون اشرف این رباعی را که خود به نظم درآورده به خط خود نوشته بود و مظهر تخلص می‌فرمودند. [رباعی:]

مظهر چو رسی به این بلدخیری کن مقصود از این آمدن و رفتن نیست
یعنی که نظر به مسجد و دیری کن چون آمده‌ای در این مکان سیری کن
بعد از مدتی که عمده الارکان والاعیان فصاحت مآب فضایل مآب میرزا عباسعلی محیط
تخلص استرآبادی که در خدمت آن مرحوم تحصیل می‌نمود این رباعی را به نظم در آورده،
به خط خود در زیر خط آن مرحوم نوشت:

[رباعی:]

«مظهر ز ریا تصدق خیر چه سود گیرم چون خضر گرد عالم گردی
بی یاد خدا ز مسجد و دیر چه سود گر دیده عبرت نبود سیر چه سود»

۴- حاشیه نسخه چاپ‌سنگی مغنی‌اللیب

این نسخه جزو نسخ کتابخانه میرزا ابوالحسن فلسفی بوده که در سال ۱۳۹۵ به یکی از سمساری‌های شهر گرگان راه یافته و نگارنده آن را خریداری کرده است. اکنون این نسخه در گنجینه نسخ خطی و چاپ‌سنگی موسسه فرهنگی میرداماد نگهداری می‌شود. در حاشیه اوراق استقبال کتاب بدون ذکر حکایت کشکول برهان، رباعی مظهر و در ادامه جواب محیط استرآبادی را آورده است. از آن‌جا که در ضبط این دو رباعی با آن‌چه که در کشکول برهان آمده، تفاوت‌هایی است، عیناً در ادامه نقل می‌شود:

«رباعی آقامحمدصادق متخلص بمظهر: مظهر چُ رسی بهر بلد خیری کن * یعنی چه نظر بمسجد و دیری کن * مقصود ازین آمدن و رفتن نیست * چون آمدی و این جهان سیری کن
میرزا عبایعلی در جواب آقا: مظهر ز ریا تصدق و خیر چه سود * بی یاد خدا چه مسجد و دیر چه سود * گیرم چون خضر گرد عالم گردی * چون دیده عبرت نبود سیر چه سود»

۵- مجموعه حاجی محمد و علی‌اصغر شاهکوئی

این مجموعه نیز در اواخر دهه ۱۳۷۰ خورشیدی از یکی از عتیقه‌فروشی‌های شهر گرگان خریداری شد و اکنون جزو نسخ دست‌نویس کتابخانه شخصی نگارنده در گنجینه نسخ

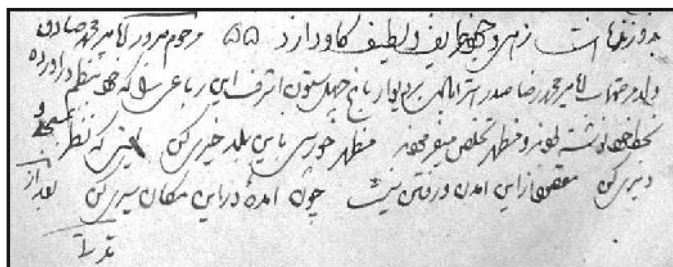
خطی و چاپ سنگی موسسه فرهنگی میرداماد نگهداری می‌شود. در یکی از صفحات این مجموعه غزلی از مظهر استرآبادی ضبط است به مطلع:

«ز بسکه در دل تنگم غم تو جانگذاشت غم زمانه چو جایی ندید پا نگذاشت»

منابع چاپی

در برخی از تذکره‌های قاجاری و منابع تحقیقی معاصر نیز اشاراتی به مظهر استرآبادی شده است که در این جا آثار چاپ و منتشر شده معرفی خواهند شد، اما به دلیل آن‌که قبلاً در مقدمه کتاب مظهرالاعجاز آن‌چه در مورد مظهر گفته‌اند، ثبت کرده‌ایم، از نقل مجدد اقوال آن‌ها خودداری کرده و خواننده را به تصحیح کتاب مظهرالاعجاز ارجاع می‌دهیم.

- ۱- مجمع‌الفصحی، تألیف رضاقلی خان هدایت
- ۲- حدیقه‌الشعرا، تألیف سیداحمد دیوان‌بیگی شیرازی
- ۳- سفینه‌المحمود (ج ۲)، تألیف محمود میرزا قاجار
- ۴- گلزار جاویدان، تألیف محمود هدایت
- ۵- نگین سخن (ج ۲)، تألیف عبدالرفیع حقیقت
- ۶- تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان (ج ۱)، تألیف عبدالرفیع حقیقت
- ۷- فرهنگ شاعران زبان پارسی، تألیف عبدالرفیع حقیقت
- ۸- سالنامه فرهنگ گرگان، تألیف مسیح ذبیحی
- ۹- جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت، تألیف اسداله معینی
- ۱۰- شعرای مازندران و گرگان، تألیف زمانی شهرمیرزادی
- ۱۱- استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، تألیف اسداله معطوفی
- ۱۲- تاریخ فرهنگ و ادب استرآباد و گرگان، تألیف اسداله معطوفی
- ۱۳- فرهنگنامه مفاخر استرآباد (ج ۲)، تألیف میر تقی حسینی خواه
- ۱۴- مظهرالاعجاز، به تصحیح محمود اخوان مهدوی
- ۱۵- دانشنامه گلستان (ج ۳)، ذیل مدخل «مظهرالاعجاز»، نوشته محمود اخوان مهدوی
- ۱۶- فصلنامه میرداماد، شماره سوم، ذیل عنوان «گنجینه‌های سرگردان»، نوشته محمود اخوان مهدوی



عکس ۹- حکایت رباعی نوشتن مظهر بر دیوار باغ چهل ستون اشرف در کشکول برهان استرآبادی